

ساخت و اعتباریابی آزمون مشکلات بین نوجوان و والدین

محمد ثناگویی‌زاده^۱، عزری اعتمادی^۲، سید احمد احمدی^۳، رضوان السادات جزایری^۴

چکیده

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۵ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲

هدف این پژوهش، ساخت و اعتباریابی آزمون مشکلات بین نوجوانان پسر و والدین شان است تا نوع مشکلاتی که با همدیگر دارند، شناسایی شود. روش پژوهش ترکیبی از نوع طرح اکتشافی بوده که در دو مرحله انجام شد. مرحله اول به صورت روش کیفی، با مطالعه منابع علمی و تحقیقاتی، مصاحبه با نوجوانان و والدین شان و مصاحبه با متخصصان، مقولات مرتبط با مشکلات والدین و نوجوان به شیوه تحلیل سیستماتیک گردآوری شد و پرسشنامه ای ۶۰ سئوالی در دو فرم پدر و مادر تنظیم گردید. در مرحله دوم با روش کمی روایی و پایایی ابزار مورد نظر بررسی گردید. ۲۰۰ نفر از بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان براساس نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند و با استفاده از نرم افزار spss تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت و آلفای کرونباخ کل آزمون و خرده آزمون‌های آن مشخص گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که آزمون مشکلات بین والدین و نوجوان دارای سه عامل می‌باشد که عبارت است از: مشکلات درونی، مشکلات در روابط بین فردی و مشکلات در شیوه والدگری. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تجویزی بیانگر تبیین درصد قابل توجهی از واریانس متغیر مورد نظر توسط عامل‌ها بود. آلفای کرونباخ کل آزمون در فرم پدر ۰/۹۲ و در فرم مادر ۰/۹۳ به دست آمد. آزمون مشکلات بین نوجوانان و والدین دارای اعتبار و روایی بالایی است که عوامل منسجمی از آن به دست می‌آید و می‌توان با توان بالایی مشکلات نوجوانان را مورد مطالعه و در پژوهش‌های بالینی برای سنجش مشکلات مورد استفاده قرار داد.

کلیدواژه‌ها: اعتباریابی، مشکلات، نوجوان، والدین.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه اصفهان mohammadsanagoo@gmail.com

۲. دانشیار گروه مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان؛ نویسنده مسئول
o.etemadi@edu.ui.ac.ir

۳. استاد گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

۴. استادیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

مقدمه

نوجوانی دوران انتقال از کودکی به بزرگسالی بوده، با تغییرات زیستی، شناختی، هیجانی و اجتماعی همراه است (لرنر^۱، ۱۹۹۸). دامنه سنی دوران نوجوانی که با شروع دومین دهه زندگی آغاز می‌شود سه مرحله را طی می‌کند؛ مرحله اول از ۱۱ تا ۱۳ سالگی، مرحله دوم ۱۴ تا ۱۶ سالگی و مرحله سوم ۱۷ تا ۱۹ سالگی است (میکوچی^۲، ۱۹۹۸).

با شروع مرحله اول، به تدریج نوجوان تحت تأثیر تغییرات رشدی ناخواسته قرار می‌گیرد که فشارهایی بر او تحمیل می‌شود. بخشی از این فشارها ناشی از تغییرات جسمانی مانند تغییرات هورمونی، تغییر ناگهانی اعضای بدن و ظاهر جسمی و برخی دیگر ناشی از عوامل اجتماعی-فرهنگی از جمله فشار دوستان برای مصرف سیگار، نقل و انتقال‌های خانوادگی، تغییر مدرسه، اختلاف و کشمکش بین والدین و فشار خانواده برای پیشرفت تحصیلی و دلبستگی به گروه‌های خارج از خانواده است (کار^۳، ۱۹۹۹).

در مرحله دوم از دوران نوجوانی، رفتارهای او، والدین و خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا در این دوران است که در مورد مسائل جنسی علاقه و کنجکاوی بیشتری بروز می‌کند و بر مستقل بودن، آزاد بودن از سلطه والدین تأکید بیشتری می‌شود و از همراهی با والدین اجتناب می‌گردد (برک^۴، ۱۹۹۳).

از این رو مشکلات و اختلالات رفتاری نوجوان بر رابطه اش با والدین و کارکرد خانواده، تأثیر می‌گذارد و ممکن است ناتوانی اجتماعی، هیجانی و روانی او را در پی داشته باشد (ریوتل، شیرت کلیف، سربین و فیشر^۵ و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین والدین اعتماد خود را به نوجوان از دست می‌دهند و رفتارهای کنترل‌گر مانند ایرادگیری و انتقاد از نوجوان افزایش می‌یابد، همراه آن، خشونت، پرخاشگری یا اجتناب از برقراری ارتباط

1. Lerner, R.M

2. Joseph A. Micucci

3. Carr

4. Berk, L.E

5. Ruttle, Shirtcliff, Serbin & Fisher

ایجاد می‌شود (میکوچی، ۱۹۹۸). رابطه منفی والد-فرزندی کارکرد خانواده را نیز با مشکل مواجه می‌سازد به گونه‌ای که رابطه عاطفی بین اعضای خانواده افت می‌نماید، رابطه بین همشیره‌ها آشفته می‌گردد و ناسازگاری در روابط بین اعضای خانواده ایجاد می‌شود (ریچموند و استوکر^۱، ۲۰۰۶). نه تنها روابط منفی والد فرزند در دوران نوجوانی می‌تواند کارکرد خانواده را با مشکل مواجه سازد بلکه زمینه‌ای برای تأثیرگذاری و کیفیت زندگی برای دوره‌های بعد از نوجوانی نیز می‌باشد (لورسون، بی و کولینز^۲، آ؛ ۲۰۰۹). بنابراین اهمیت روابط والد فرزند در دوران نوجوانی قابل توجه است تا جایی که پژوهشگران روابط والد فرزند را منبعی برای رشد اجتماعی و هیجانی در سال‌های نوجوانی می‌دانند (کولینز و استینبرگ^۳؛ ۲۰۰۶).

روابط آشفته بین والدین و نوجوان علاوه بر آنکه تحت تأثیر شرایط دوران نوجوانی و نحوه برقراری روابط بین فردی با همدیگر است به ساختار روابط بین آنها نیز بر می‌گردد؛ زیرا در روابط بین نوجوان و والدین، نوجوان علاقه مند است به صورت یک قدرت برابر با او رفتار شود در حالی که والدین نسبت به تغییر دادن روابط سلسله مراتبی به روابط برابر تمایل ندارند. از این رو تعارض‌های بین آنها نیز بیشتر می‌شود که می‌تواند روابط عاطفی بین آنها را کاهش دهد (لورسون، ۱۹۹۵).

مطالعات نشان می‌دهد یکی از انواع مشکلاتی که نوجوان در دوران نوجوانی با آن مواجه است مشکلات با والدین خود است (نصیری و دیگران، ۱۳۸۰؛ انیسی و دیگران، ۱۳۸۶؛ بارون و یوست^۴، ۱۹۹۴). به گونه‌ای که یکی از تحولات اساسی در دوران نوجوانی به نظریه‌ای از پژوهشگران تعارضات نوجوان با والدین می‌باشد (کنت^۵ و دیگران، ۲۰۱۰). برخی از پژوهش‌ها (ویلفرد و زندن^۶، ۲۰۰۲) نیز به گلایه‌های نوجوان از والدین خود اشاره

1. Richmond & Stocker
2. Collins, A. & Loursen, B
3. Collins, W. A., Steinberg, L
4. Barron Cecilia R; Yoest; Phyllis
5. Kenneth W. Wanberg
6. Wilfird, J., Zanden, V

دارند، مانند؛ سبک اعمال قدرت، کنترل همه جانبه، خود داری از به حساب آوردن نقطه نظرات نوجوانان، در دسترس نبودن والدین، وضع قانون در لحظه، انتظارات غیر واقعی، نپذیرفتن انتقاد و پیش داوری در مورد نوجوانان.

هم چنین مطالعات نشان می‌دهد که مشکلات بین والدین و نوجوان به خصوص نوجوان پسر شیوع بیشتری دارد (فرانک^۱ و دیگران، ۲۰۰۳) به گونه ای که پرخاشگری و بزهکاری در پسران به اوج می‌رسد (بارکر، ترمبلی، ناگین و ویتارو و لاکورس^۲، ۲۰۰۶) و استفاده از مواد مخدر شروع به افزایش می‌نماید (کاستلو، سانگ، ورثمن و آنگولد^۳، ۲۰۰۷).

از آنجا که مشکلات بین والدین و نوجوان می‌تواند بر رشد نوجوان، کارکرد خانواده، روابط والدفرزندی، عملکرد و پیشرفت تحصیلی تأثیر گذار باشد اقدام‌های متعدد برای حل مشکلات بین والدین و نوجوان ضروری می‌نماید. این اقدام‌ها چه پیشگیرانه باشد یا درمان محور مستلزم ارزیابی و تشخیص نوع مشکل بین والدین و نوجوان است. بنابراین شناسایی و تشخیص مشکلات بین والدین و نوجوانان جهت مداخله‌های پیشگیرانه یا درمانی و یا برنامه ریزی‌های آموزش محور برای مربیان، خانواده‌ها و نوجوانان امری ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از رایج ترین ابزار مورد استفاده برای شناسایی مشکلات رفتاری و هیجانی نوجوانان پرسشنامه مشکلات رفتاری ایشنباخ^۴ (YSR) است که یک مقیاس خود گزارشی رفتار نوجوان بوده، توسط ایشنباخ (۱۹۹۱) برای سنین ۱۱ تا ۱۸ سال ساخته شده است؛ مقیاس‌های آن در دو بخش شایستگی‌ها^۵ و سندرم‌ها^۶ تنظیم شده است؛ بخش

1. Frank J.
2. Barker, Tremblay, Nagin, Vitaro & Lacouse
3. Costello, Sung, Worthman & Angold
4. Youth Self -Report
5. Competencies
6. Syndromes

شایستگی‌ها شامل، فعالیت‌ها، عملکرد تحصیلی^۱، کارآمدی اجتماعی^۲ و شایستگی کلی است. فعالیت‌ها شامل انواع ورزش، انواع سرگرمی‌ها، مهارت‌ها، شغل و کیفیت آن است. کارآمدی اجتماعی شامل سازمانی است که در آن نوجوان عضویت و فعالیت دارد. میزان فعالیت در آن سازمان‌ها شامل تعداد دوستان و کیفیت رابطه آنها می‌باشد. بخش سندرم‌ها شامل گوشه‌گیری/افسردگی، شکایات بدنی، افسردگی/اضطراب، مشکلات اجتماعی، مشکلات تفکر، مشکلات توجه، رفتار بزهکارانه، رفتار پرخاشگرانه و مقیاس سایر مشکلات رفتاری مانند ناخن جوی، کابوس، پرخوری و اضافه وزن و غیره است (ایشنباخ^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). این مقیاس‌ها نه به منظور بررسی مشکلات نوجوان با والدین طراحی شده است بلکه به بررسی اختلال‌های رفتاری به منظور ارزیابی رفتاری و هیجانی نوجوان پرداخته، اطلاعات لازم در زمینه شناسایی نشانگان روانشناختی و عملکرد تحصیلی و اجتماعی او را فراهم می‌کند به گونه‌ای که ارزیابی به عمل آمده نوجوان سازش یافته را از نوجوان نیازمند به کمک حرفه‌ای در زمینه مسائل عاطفی و رفتاری تفکیک می‌نماید (رسکورلا^۵ و ایشنباخ، ۲۰۰۷).

بنابراین شناسایی و ارزیابی نوع مشکلات بین نوجوان و والدین اهمیت ویژه‌ای دارد. زیرا از یک سو این مشکلات بر روابط والد فرزندی، کارکرد خانواده و از دیگر سو بر رشد اجتماعی، هیجانی نوجوان طی سال‌های نوجوانی و پس از آن تأثیرگذار است. هم‌چنین مقیاسی که بتواند انواع مشکلات بین نوجوان پسر و والدین را بسنجد ملاحظه نگردید. بنابراین سؤال اصلی پژوهش آن است که آیا امکان طراحی پرسشنامه‌ای که مشکلات بین نوجوان پسر و والدین را شناسایی نماید و از روایی و پایایی مناسب برخوردار باشد، وجود دارد.

1. Activities
 2. School performance
 3. Social efficiency
 4. Achenbach T. M.
 5. Rescorla, L

روش پژوهش

روش پژوهش ترکیبی از نوع طرح اکتشافی بوده که از دو مرحله تشکیل شد. مرحله اول به صورت کیفی به شیوه تحلیل سیستماتیک انجام گرفت و به جمع‌آوری و شناسایی مقولات مرتبط با مشکلات نوجوان پسر پرداخت. این قسمت به صورت سه سویه سازی انجام شد؛ ابتدا با مطالعه منابع و اسناد مکتوب داخلی و خارجی شامل؛ کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های پژوهشی در ۲۰ سال گذشته مقولات مرتبط با مشکلات نوجوانان با والدینشان گردآوری گردید. سپس با ۵ نفر از کارشناسان متخصص که در حیطه نوجوانی تجربه مشاوره‌ای داشته‌اند و با نوجوانان و والدین به صورت جداگانه مصاحبه انجام شد؛ جمع‌آوری مقولات تا حد اشباع مقوله پیش رفت؛ در نهایت مقولات مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفت و در هشت بُعد طبقه‌بندی شد. این ابعاد عبارت است از؛ مشکلات نوجوانان با والدین در زمینه مسائل فرهنگی و ارزشی، مسئولیت‌پذیری، ابراز احساسات، ارتباطات، اختلاف دیدگاه‌ها، خویشتنداری، سازگاری و کنترل رفتار.

در مرحله دوم پژوهش، به منظور تهیه پرسشنامه‌ای برای سنجش مقیاس مشکلات بین نوجوان و والدین، براساس این ابعاد ۹۳ گویه طرح گردید؛ گویه‌ها در دو فرم جداگانه مشکلات با پدر و مشکلات با مادر تنظیم گردید. عبارات در هر دو فرم یکسان بوده فقط کلمه پدر و مادر در فرم‌ها تغییر کرد. گویه‌ها برای سنجش روایی محتوایی آن به پنج نفر از روانشناسان داده شد و نظرهای آنها مورد بررسی قرار گرفت. هدف از بررسی در این مرحله همخوانی عبارت آزمون با بُعد مورد نظر بود، پس از بررسی و حذف عباراتی که حداقل مورد توافق دو نفر از کارشناسان نبود و پس از اجرای آزمون (با هر دو فرم) بر روی یک گروه ۵۰ نفره از نوجوانان گویه‌های مشابه و گویه‌هایی که با نمره کل همبستگی کافی نداشتند، حذف گردید و در نهایت ۶۰ گویه باقی ماند.

جامعه آماری این پژوهش برای سنجش مشکلات نوجوانان با والدین شان شامل کلیه دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسر مقطع متوسطه دوم شهر اصفهان سال ۱۳۹۳ و

ترجیحا سال دوم و سوم متوسطه بود، از بین ۶ ناحیه آموزش و پرورش شهر اصفهان سه ناحیه به طور تصادفی انتخاب گردید و از هر ناحیه‌ی انتخاب شده یک دبیرستان به طور تصادفی انتخاب شد و در مجموع سه مدرسه مشخص گردید بنابراین نمونه گیری به روش چند مرحله ای صورت گرفت؛ سپس به طور تصادفی پرسشنامه بین ۳۰۰ نفر از دانش آموزان توزیع شد. پس از جمع آوری و حذف پرسشنامه‌هایی که فاقد پاسخ یا ناقص بودند تعداد ۲۰۰ نفر از آزمودنی‌ها در تحلیل داده‌ها وارد شدند. پرسشنامه‌ها بدون نام و شامل اطلاعاتی درباره سن نوجوان، تحصیلات او، سن پدر و مادر، تحصیلات پدر و مادر بود. پرسش نامه‌ها دارای یک راهنما و دستورالعمل بوده تا نوجوانان هنگام جواب دادن به راحتی و بدون سردرگمی بتوانند پاسخ خود را مشخص نمایند. پاسخنامه آزمون در مقابل هر سؤال طراحی شد که شامل طیف پنج گزینه ای "هرگز"، "کم"، "تا اندازه ای"، "زیاد" و "بسیار زیاد" بود. شیوه نمره گذاری آزمون بدین صورت بود که برای عبارات طیف لیکرت از شماره ۱ (عبارت "هرگز") تا شماره پنج (عبارت "بسیار زیاد") نمره گذاری شد و در نهایت نمره‌های هر عبارت با هم جمع گردید.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی و برای تعیین اعتبار آزمون از محاسبه آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته‌ها

داده‌های جمعیت شناختی نشان می‌دهد که میانگین سنی آزمودنی‌ها ۱۷ سال با انحراف معیار ۰/۵۱۴ است و میانگین سنی پدران و مادران آزمودنی‌ها به ترتیب ۴۶ و ۴۱.۳۳ با انحراف معیار ۵.۶۰ و ۵.۹۵ است.

برای بررسی روایی محتوا همه گویه‌هایی که میزان مربوط بودن آنها از نظر دو نفر از کارشناسان تأیید نشده بود حذف شد و با اجرای آزمون بر روی یک گروه ۵۰ نفره نوجوانان گویه‌های مشابه و گویه‌هایی که با نمره کل همبستگی کافی نداشتند حذف گردید و در نهایت فرم آزمون با ۶۰ سؤال در دو فرم پدر و مادر مورد تجزیه و تحلیل عاملی قرار گرفت.

به منظور روایی سازه ابتدا داده‌ها با $n=200$ نفر مورد تجزیه و تحلیل عاملی اکتشافی قرار گرفت. براین اساس داده‌های دو فرم مشکلات بین نوجوان و پدر و مشکلات بین نوجوان و مادر وارد تحلیل عاملی گردید. میزان مناسب بودن یا کفایت گروه نمونه با آزمون کیسر^۱، مایر^۲ و الکین^۳ (KMO) بررسی شد که داده‌های آن در جدول ۱ مشخص شده است.

یافته‌های جدول (۱) نشان داد که حجم نمونه کافی است زیرا عدد $0/726$ و $0/696$ از آزمون kmo نزدیک به یک است. هم چنین برای اینکه مشخص گردد آیا ماتریس همبستگی تفاوت معناداری با همبستگی صفر دارد و براین اساس انجام تحلیل عاملی قابل توجیه باشد از آزمون کروی بارتلت^۴ با محاسبه مجذور کای استفاده شد که میزان آن برای فرم مادر معادل 100.530 و برای فرم پدر معادل 124.690 به دست آمد و با درجه آزادی ۲۸ در سطح $P < 0/0001$ معنادار بود.

در تحلیل عاملی اکتشافی با ارزش بالای یک برای فرم پدر سه عامل به دست آمد که مجموعاً ۶۰ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. هم چنین برای فرم مادر ۳ عامل با ارزش بالای یک را نشان داد که در مجموع ۵۶ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. در شمارش بارهای عامل و با توجه به نمودار سنگ ریزه که در تحلیل عاملی به دست می‌آید مشخص شد که در نهایت سه عامل از این آزمون قابل بازشناسی است. عناصری که بار عاملی آنها بالای $0/30$ است از اعتبار برخوردارند. در تحلیل نهایی، تحلیل عاملی تجویزی با درخواست سه عامل در هر دو فرم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. این سه عامل با هم ۶۰ درصد واریانس را تبیین کرد؛ عامل اول ۳۲ درصد با ۲۸ گویه، عامل دوم ۱۵ درصد با ۲۰ گویه و عامل سوم ۱۳ درصد واریانس را با ۱۲ گویه تبیین نمود.

1. keiser
2. Meyer
3. Olkin
4. Bartlett

جدول (۱): آزمون محاسبه KMO و کروی بودن بارتلت

فرم پدر		فرم مادر
۶۹۶	سنجش کفایت نمونه گیری (Kaiser- Mayer –Olkin	۷۲۶
۱۲۴.۶۹۰	Measure of Sampling Adequacy) آزمون کروی بودن بارتلت (Bartlett's Test of Sphericity)	۱۰۰.۵۳۰
۲۸	تقریب. مجذور کای (Approx Chi-Square)	۲۸
۰/۰۰۰۱	Df درجه آزادی سطح معناداری	/۰۰۰۱

جدول (۲) متغیرها و بارهای عاملی هریک از این متغیرها را نشان می دهد. بیشترین بار عاملی در عامل اول در فرم پدر و مادر مربوط به متغیرهای مسئولیت پذیری، ابراز احساسات، اختلاف دیدگاه ها، خویشتنداری بود. این عوامل بیانگر مشکلاتی است که خود نوجوان زمینه ساز آن بوده و به عنوان "مشکلات درونی" نام گذاری شد. بیشترین بار عاملی در عامل دوم مربوط به متغیرهای ارتباطات و سازگاری است. گرچه در فرم مادر ارتباطات در عامل اول بیشترین بار عاملی را نشان می دهد اما بعد از آن در عامل دوم به همراه سازگاری بیشترین بار عاملی را دارد از این رو هر دو در عامل دوم قرار داده شد. این عامل تحت عنوان مشکلات در "روابط بین فردی" نام گذاری شد. در عامل سوم بیشترین بار عاملی مربوط به متغیرهای کنترل رفتار و مسائل فرهنگی- ارزشی است. این عامل را می توان به شیوه "والدگری والدین" نام گذاری نمود.

جدول (۲): عوامل سه گانه آزمون مشکلات نوجوان با والدین و بار عاملی آنها

بارهای عاملی						بارهای عاملی متغیرها
عامل سوم شیوه والدگری		عامل دوم روابط بین فردی		عامل اول مشکلات درون فردی		
فرم پدر	فرم مادر	فرم پدر	فرم مادر	فرم پدر	فرم مادر	
۰/۷۸۳	۰/۸۵۶	۰/۲۷۲	-۰/۰۴۱	-۰/۰۶۳	-۰/۰۲۹	مسائل فرهنگی، ارزشی
۰/۲۸۷	۰/۱۸۴	۰/۳۷۴	۰/۴۴۸	۰/۶۱۳	۰/۴۸۱	مسئولیت پذیری
-۰/۰۳۳	۰/۰۸۵	۰/۰۰۸	۰/۰۵۵	۰/۶۴۵	۰/۶۵۰	ابراز احساسات
-۰/۰۳۰	۰/۰۲۵	۰/۷۳۲	-۰/۲۸۰	۰/۳۸۳	۰/۶۸۲	ارتباطات
۰/۰۳۰	۰/۰۴۰	-۰/۰۰۶	۰/۲۱۷	۰/۷۳۵	۰/۶۸۷	اختلاف دیدگاه‌ها
۰/۰۱۳	۰/۱۸۵	۰/۱۸۲	۰/۳۱۵	۰/۸۰۷	۰/۷۲۸	خویشتنداری
-۰/۰۱۸	-۰/۰۴۵	-۰/۰۶۱۷	۰/۹۰۹	۰/۵۹۹	۰/۰۵۳	سازگاری
۰/۶۸۲	۰/۶۱۹	-۰/۲۵۶	۰/۰۶۰	۰/۰۹۸	۰/۲۰۶	کنترل رفتار

به منظور تعیین پایایی آزمون از همسانی درونی یا آلفای کرونباخ استفاده گردید. جدول (۳) ضریب آلفای کرونباخ کل آزمون و عوامل سه گانه آن را در فرم پدر و مادر نشان می‌دهد. براساس داده‌های این جدول ضریب آلفای کل آزمون در فرم مادر ۰/۹۳ و در فرم پدر ۰/۹۲، برای عامل "مشکلات درونی" در فرم پدر و مادر ۰/۸۸، برای عامل "مشکلات در روابط بین فردی" در فرم مادر ۰/۸۶ و در فرم پدر ۰/۸۴ و در عامل "شیوه

والدگری" در فرم مادر ۰/۷۶ و در فرم پدر ۰/۷۳ محاسبه شد.

جدول (۳): تعداد گویه‌ها و آلفای کرونباخ کل آزمون و عوامل سه گانه

نوع فرم	عامل	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
پدر	مشکلات درونی	۲۸	۰/۸۸
	روابط بین فردی	۲۰	۰/۸۳
	شیوه والدگری	۱۲	۰/۷۳
	کل آزمون	۶۰	۰/۹۲
مادر	مشکلات درونی	۲۸	۰/۸۸
	روابط بین فردی	۲۰	۰/۸۶
	شیوه والدگری	۱۲	۰/۷۶
	کل آزمون	۶۰	۰/۹۳

جدول (۴) و (۵) همبستگی بین عوامل را نشان می‌دهد. نتایج همبستگی نشان می‌دهد که بین مشکلات درونی با روابط بین فردی و شیوه والدگری در هر دو فرم پرسشنامه رابطه مثبت وجود دارد. یعنی هر چه مشکلات درونی در نوجوان افزایش یابد مشکلات در روابط بین فردی و شیوه والدگری افزایش خواهد یافت. هم چنین بین روابط بین فردی و شیوه والدگری در هر دو فرم رابطه مثبتی وجود دارد که نشان می‌دهد هر چه مشکلات در روابط بین فردی افزایش یابد مشکلات در شیوه والدگری نیز افزایش خواهد یافت. ضرایب همبستگی نشان دهنده روابط قوی بین عوامل می‌باشد.

جدول (۴): همبستگی بین عوامل در فرم پدر

عوامل	مشکلات درونی	روابط بین فردی	شیوه والدگری
مشکلات درونی ($p < 0/001$)		۰/۶۸۱ ۰/۰۰۱	۰/۵۸۳ ۰/۰۰۱
روابط بین فردی ($p < 0/001$)			۰/۷۶۷ ۰/۰۰۱

جدول (۵): همبستگی بین عوامل در فرم مادر

عوامل	مشکلات درونی	روابط بین فردی	شیوه والدگری
مشکلات درونی ($p < 0/001$)		۰/۶۸۲ ۰/۰۰۱	۰/۶۵۳ ۰/۰۰۱
روابط بین فردی ($p < 0/001$)			۰/۷۱۴ ۰/۰۰۱

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این پژوهش مشکلات نوجوانان با والدین در هشت بُعد فهرست گردید. بُعد اول، مشکلاتی است که نوجوانان در استفاده از رسانه‌هایی مانند موبایل و اینترنت با والدینشان دارند، نگرانی‌های والدین درباره استفاده کردن نوجوانشان از این رسانه‌ها عمدتاً به برقراری روابط اجتماعی نامطلوب در شبکه‌های مجازی و اجتماعی، اعتیاد به اینترنت و تلفن همراه و انجام ندادن برنامه درسی مربوط می‌شود. از سوی دیگر رسانه به خصوص شبکه مجازی و اجتماعی همراه خود، فرهنگی را به فرد منتقل می‌کند که آموزه‌های رفتاری این فرهنگ می‌تواند با آموزه‌هایی که نوجوان در فرهنگی که با والدین خویش زندگی می‌کند متفاوت باشد. از این رو این مسئله می‌تواند زمینه ساز رفتارهای نامطلوب یا روابط پیچیده اجتماعی در نوجوان شود به گونه‌ای که نوجوان روابط وسیع اجتماعی برقرار کند و در دامنه این روابط دچار آسیب‌های عاطفی، ارتباطی

وروانی شود و مشکلاتی را در روابط بین نوجوان و والدین ایجاد نماید، بنابراین ارزیابی این مسئله ضروری است زیرا مشکلات بین والدین و نوجوان درباره این مسئله را مشخص می‌نماید. یافته‌های برخی از پژوهش‌ها نیز این نکته را تأیید می‌نمایند که یکی از اختلافاتی که نوجوان با پدر و مادر خود دارد، استفاده از رسانه است (همتی، ۱۳۹۱). برخی دیگر از مشکلات در این قسمت به مشکلاتی برمی‌گردد که مربوط به مسائل ارزشی است به عبارت دیگر دروغ گفتن، توقع خواهی و رعایت نکردن حریم‌های محرم و نامحرم می‌تواند ارزش‌های اخلاقی را در روابط بین والدین و نوجوان خدشه دار نماید (صفری، ۱۳۸۷). این مشکلات تحت عنوان مشکلات فرهنگی، ارزشی طبقه‌بندی شد.

بعد دوم؛ مسئولیت‌پذیری است، برخی از مشکلات بین نوجوان و والدین توجه نکردن نوجوان به مسئولیت‌هایی است که والدین از او انتظار دارند. مسئولیت‌پذیری مانند رعایت نظم و انضباط، برنامه ریزی، رعایت زمان رفت و آمد به خانه و به مدرسه (لیزا بواسکی^۱، ۱۳۸۸) و انجام فرایض دینی است (موسوی، ۱۳۹۱). بعد سوم؛ ابراز احساسات است، این بعد عدم مدیریت احساسات خویش، یا مشکل در نحوه بروز آن با والدین است. زودرنجی، بی‌حوصلگی، احساس تنهایی از جمله مواردی است که والدین نسبت به آنها نگرانی دارند (کولینزو لورسون، ۱۹۹۲). بعد چهارم؛ ارتباطات است، یکی از مشکلاتی که نوجوانان دارند نحوه ارتباط با والدین، ارتباط با اعضای خانواده و یا ارتباط خانواده‌ها با دیگران است. صحبت نکردن والدین با نوجوان، کودکانه رفتار نمودن با او (شرفی، ۱۳۸۶) تعارض در روابط (کروفورد^۲؛ ۲۰۰۶) از جمله مشکلاتی است که در این باره گزارش شده است. بعد پنجم؛ اختلاف دیدگاه‌هاست، نوع نگاه نوجوانان نسبت به مسائل با نوع نگاه والدین متفاوت است. این مسئله می‌تواند ناشی از خودمحوری نوجوانان باشد که نمی‌توانند دیدگاه والدین را درک نمایند (اسمتاتا و

ویلالوباس^۱، (۲۰۱۰). مثلاً نوجوان با خود فکرمی‌کند منحصر به فرد است و هیچ کس نمی‌تواند مثل او فکر نماید (بواسکی، ۱۳۸۸).

بُعد ششم؛ خویشتنداری است، نوجوان معمولاً دارای تکانش‌هایی است که برای کنترل آن نیاز به خویشتنداری دارد عدم خویشتنداری نوجوان می‌تواند باعث مشکلات رفتاری در او شود و مشکلاتی را در روابط او با والدین ایجاد کند. مصرف سیگار، مشروبات الکلی، رانندگی‌های غیرقانونی از جمله مواردی است که نیاز به خویشتنداری دارد (الیوت و گرشام^۲، ۲۰۰۳). بُعد هفتم؛ سازگاری است، سازگاری رابطه‌ای است که میان فرد و محیط او وجود دارد و به او امکان می‌دهد تا نیازها و انگیزه‌های خود را پاسخ گوید. زمانی که فرد سازگار است می‌تواند میان خود و محیط اجتماعی رابطه‌ای سالم برقرار نماید در غیراین صورت او ناسازگار است (اسلامی نسب، ۱۳۷۳). پرخاشگری و لجبازی‌های نوجوان از جمله مواردی است که نوجوان نتوانسته با والدین رابطه‌ای سالم برقرار نماید و دچار ناسازگاری شده است.

بُعد هشتم؛ کنترل رفتار است، کنترل رفتار به چگونگی نحوه کنترل رفتار نوجوان از ناحیه والدین اشاره دارد مانند آنکه والدین خواسته‌های خود را به نوجوان تحمیل نمایند و انتقادهای ویرانگر و مخرب داشته باشند ترس‌های شدیدی که نوجوان از والدین خود دارد نیز جزء این مشکلات است (چوآ^۳؛ ۲۰۰۰). نتایج این پژوهش نشانگر آن است که ساخت ابزاری برای ارزیابی مشکلات بین نوجوان و والدینشان امکان پذیر است و اجرای این ابزار با نمونه مطلوب و انجام تحلیل عاملی نشان می‌دهد که درباره مشکلات بین نوجوانان و والدینشان سه عامل جداگانه قابل شناسایی است: عامل مشکلات درونی نوجوان؛ عامل روابط بین فردی و عامل شیوه والدگری والدین.

عامل مشکلات درونی نوجوان به مشکلاتی اشاره می‌کند که نوجوان، زمینه ساز آن

1. Smetana, J.G. & Villa Lobos M.

2. Elliot, S. & Gersham, F.

3. Choa, k.r.

شده است. مسئولیت پذیری، ابراز احساسات، اختلاف دیدگاه‌ها، خویشتنداری از عوامل درونی به شمار می‌روند. مسئولیت‌پذیری، خویشتنداری و ابراز احساسات ناشی از بُعد هیجانی نوجوان است که باژان^۱ (۲۰۰۰) آن را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی می‌داند و توانایی‌های فرد را در برخورد با فشارهای محیطی ارزیابی می‌کند. اختلاف دیدگاه‌ها نیز ناشی از خودمحوری نوجوان است که براساس آن نمی‌تواند بین دیدگاه خود و نظر والدین جمع نماید. از این رو عوامل فوق را می‌توان به عنوان یک عامل درونی در نوجوان دانست. این نتیجه که یکی از عوامل مشکلات بین والدین و نوجوان عامل مشکلات درونی است با یافته‌های جسور^۲ (۱۹۹۸) همسو است زیرا او بیان می‌کند منشأ رفتارهای نوجوان ترکیبی از عوامل روانشناختی پایدار و ساختار انگیزشی است. بنابراین ویژگی‌های روانشناختی نوجوان می‌تواند به عنوان علت ایجاد مشکلات بین او و والدین به حساب آید.

عامل مشکلات در روابط بین فردی مشکلاتی را تبیین می‌کند که به روابط او با والدین، همسالان و اطرافیانش مربوط می‌شود. تعارض بین نوجوان و والدین، تعارض بین اعضای خانواده و نحوه برقراری ارتباط نوجوان با اطرافیان مشکلاتی را در روابط بین فردی نوجوان با والدین ایجاد می‌کند؛ بنابراین یافته‌های این پژوهش مبنی بر آنکه یکی از عوامل مشکلات بین والدین و نوجوان عامل روابط بین فردی است با یافته‌های مطالعه بارون و یاتس^۳ (۱۹۹۴) و یافته‌های مطالعه نصیری و همکاران (۱۳۸۰) همسو است. چنانکه بارون و یاتس نشان دادند ۳۸ درصد نوجوانان روابط با والدین را پرتنش دانستند و نصیری و همکاران به این نتیجه رسیدند ارتباط بین والدین و نوجوان متقابل نیست به گونه‌ای که ۲۵ درصد نوجوانان اظهار داشتند والدین همیشه یا غالباً کودکی آنان را در روابط به رخ می‌کشند و ۱۹ درصد اظهار داشتند که به ندرت والدین به آنها اجازه اظهار

1. Bar – on , Reuven

2. Jessor, R.

3. Barron Cecilia R; Yoest; Phyllis

نظر می‌دهند و ۵۹ درصد اظهار داشتند که والدین از نوجوان خود می‌خواهند که نصیحت‌های والدین را بدون چون و چرا بپذیرند.

عامل شیوه والدگری به نحوه کنترل رفتار نوجوان از جانب والدین می‌پردازد، شیوه والدگری در انواع والدین متفاوت است؛ نتایج تحقیقات حکایت از تأثیر معنادار سبک‌های والدگری بر عملکرد نوجوانان دارد (دارلینگ و استنبرگ^۱؛ ۱۹۹۳). به اعتقاد فریک^۲ (۱۹۹۱) شیوه والدگری به تنبیه بدنی، نظارت ضعیف، اعمال اقتدار و آگاهی از برنامه یکدیگر اشاره دارد و معتقد است که سبک والدگری در خانواده‌ها متفاوت است و پیامد به کارگیری هر یک از این سبک‌ها رفتارهای متفاوت است. یافته‌های تحلیل عاملی نشان داد که بُعد مشکلات فرهنگی و ارزشی بین والدین و نوجوان در این عامل قرار گرفت، این مسئله شاید به این خاطر باشد که بین این نوع مشکلات و شیوه والدگری والدین رابطه وجود دارد یعنی وقتی نوجوان در خانواده ای زندگی کند که والدین بی تفاوت بوده، گرم و پذیرا با آنها رفتار نمایند بیشتر دچار این مشکلات می‌شود و یا وقتی نوجوان دچار برخی از این مشکلات شود، رفتار والدین کنترل‌گرو سرزنشگر خواهد بود. این یافته مورد تأیید پژوهش پارک و دیگران (۲۰۰۸) است چنانکه آنها به این نتیجه رسیدند که استفاده از اینترنت به طور افراطی می‌تواند بخاطر بی تفاوتی، گرم نبودن و شیوه کنترل‌گری والدین باشد.

این سه عامل که در این پرسشنامه به دست آمد، سه نوع مشکلی است که نوجوانان با والدین خود دارند و به عبارت دیگر مشکلات بین والدین و نوجوان از این سه عامل می‌تواند ناشی شود. بنابراین می‌توان هر نوع مشکلی که بین والدین و نوجوان به وجود می‌آید را در این سه عامل طبقه‌بندی نمود. پس برای حل مشکلات بین والدین و نوجوان ابتدا باید به دنبال ارزیابی این سه عامل در روابط بین والدین و نوجوان بود و سپس به مداخلات لازم پرداخت. به این معنا که اگر شیوه والدگری به دست آمده در این آزمون

1. Darling, n & steinberg l

2. Frick, P. J.

نشانگر رفتارهای کنترل گروالدین است نسبت به این مسئله باید مداخله متناسب را انجام داد. گویه‌های این آزمون نه فقط مبتنی بر مطالعات منابع بلکه براساس مصاحبه با والدین و نوجوان و کارشناسان مسائل نوجوانان صورت گرفت، از این رو این آزمون کاملاً منطبق با فرهنگ جامعه ایران بوده و بومی است. بنابراین نسبت به آزمون‌های دیگر که در فرهنگ جامعه ایران تدوین نشده، از این امتیاز برخوردار است.

در پرسشنامه حاضر مقیاس‌ها به نحوی طراحی شده‌اند تا حیطه‌هایی که ارتباط بین والدین و نوجوان را دچار مشکل می‌سازد مانند مسئولیت‌پذیری، خویش‌ننداری و غیره مشخص شود. یعنی علاوه بر آنکه میزان یا شدت مشکلات بین والدین و نوجوان تعیین می‌گردد حیطه مشکل ساز را نیز مشخص می‌نماید؛ افزون بر آن می‌تواند حیطه‌های روانشناختی و رفتاری نوجوان را نیز تبیین نماید به عنوان مثال خویش‌ننداری نوجوان به عنوان حیطه‌ای معرفی می‌شود که می‌تواند برانجام رفتارهای پرخطر و تأثیرگذار باشد و با شناسایی این حیطه می‌توان انجام رفتارهای پرخطر را برای نوجوان پیش‌بینی نمود و مداخله متناسب را انجام داد.

از سوی دیگر در این پرسشنامه پرسش‌ها به گونه‌ای تنظیم شده که نوجوان مشکلش را با والدین اش بیان نماید، به عبارت دیگر دیدگاه خود را نسبت به مشکلاتی که بین خود و والدینش است تعیین نماید. این نوع پرسیدن می‌تواند به روند کاهش مقاومت نوجوان برای تعیین مسائل خود با والدینش کمک نماید. هم‌چنین این پرسشنامه یک پرسشنامه خودگزارشی است که می‌تواند ارزیابی مشکلات را فقط از دیدگاه نوجوان مشخص نماید گرچه بهتر است این نوع مقیاس‌ها با مقیاس‌های مصاحبه، مشاهده و گرفتن شرح حال از اطرافیان به خصوص والدین تکمیل گردد ولی در مواردی که حجم نمونه زیاد باشد بیشترین کاربرد را دارد. از این رو این مقیاس علاوه بر کاربرد بالینی می‌تواند کاربرد پژوهشی نیز داشته باشد.

در بررسی روایی سازه با روش تحلیل عاملی یافته‌ها نشان داد که متغیر مشکلات نوجوان با والدین سه عامل اصلی دارد، پژوهش‌های گوناگون نشان داده است که

مشکلات نوجوان با والدین عوامل مختلفی دارد که همگی تأییدکننده این یافته می‌باشد از آن جمله می‌توان به یافته‌های کولینز و استنبرگ^۱ (۲۰۰۶) و استنبرگ و اسکیل^۲ (۲۰۰۲) اشاره نمود که بیان نمودند ویژگی‌های روانشناختی نوجوان مانند؛ مسئولیت ناپذیری، ناتوانی در ابراز احساسات به صورت مناسب و عدم خویشتنداری می‌تواند بر روابط بین فردی او با والدین تأثیرگذار باشد. هم چنین به یافته‌های دارلینگ و استنبرگ^۳ (۱۹۹۳) می‌توان اشاره کرد که نتیجه گرفتند سبک‌های والدگری بر عملکرد نوجوانان تأثیر معناداری دارد. برخی دیگر از پژوهش‌ها نیز عامل مشکلات بین والدین و نوجوان را نوع گفتگوی والد- نوجوان می‌دانند (آشبورن، ۲۰۰۹). یعنی در صورتی که والدین و نوجوان الگوی گفتگوی مناسبی با همدیگر برقرار نمایند مشکلاتی که در روابط آنها به وجود آمده است از بین خواهد رفت.

ملاحظه همبستگی بین عوامل نشان دهنده آن است؛ نوجوانانی که دارای مشکلات درونی هستند بیشتر در روابط بین فردی و شیوه والدگری مشکل خواهند داشت. البته نکته جالب اینکه همبستگی عامل روابط بین فردی با شیوه والدگری به طور معناداری بیشتر است یعنی نوجوانانی که در روابط بین فردی مشکل دارند بیشتر در شیوه والدگری مشکل خواهند داشت. این نتیجه نشان دهنده آن است که وقتی روابط در خانواده سالم باشد به گونه ای که اعضا بتوانند به راحتی با هم تعامل کنند، حرف همدیگر را بشنوند و اظهار نظر نمایند شیوه والدگری نیز از حالت کنترل‌گر و سرزنشگر خارج شده نظارت و احترام جایگزین آن خواهد شد. یافته‌های سامانی و دیگران (۱۳۸۹) و یافته‌های بهبهانی (۱۳۸۸) این نتیجه پژوهش را تأیید می‌کند؛ زیرا آنها نشان دادند خانواده‌هایی که دارای سطح مناسبی از مهارت‌های ارتباطی و توانایی مقابله با مشکلات فرزندان باشند بیشتر از دیگر گونه‌های خانواده از شیوه والدگری مثبت یعنی

1. Collins. W. A., 6: Steinberg. L.

2. Steinberg, L., & Silk. J. S

3. Darling, n & steinberg

رفتارهای مثبتی مانند تشویق به موقع، توضیح اشتباه و پیامدهای رفتاری فرزندان استفاده می‌کنند.

به دلیل آنکه جامعه آماری پژوهش نوجوانان پسر بودند پرسشنامه ساخته شده از مصاحبه با آنها و والدین شان ساخته شد و استفاده آن برای دختران نوجوان ممکن است با محدودیت‌هایی روبه رو باشد از این رو پیشنهاد می‌گردد این پرسشنامه برای دختران نوجوان نیز اجرا شود، و با نتایج به دست آمده با پژوهش حاضر مقایسه گردد. هم چنین پیشنهاد می‌گردد این مقیاس در جامعه دیگر اجرا شود و نتایج آن با نتایج این پژوهش که در جامعه دانش آموزان شهر اصفهان صورت گرفت، مقایسه شود.

منابع

- انیسی، جعفر. (۱۳۸۶). بررسی مشکلات رفتاری نوجوانان، علوم رفتاری، شماره ۲، ص ۱۶۳-۱۷۰.
- اسلامی نسب، علی. (۱۳۷۳). روانشناسی سازگاری، تهران: چاپ و نشر بنیاد.
- بواسکی، لیزا. (۱۳۸۸). ترجمه‌ی سیاوش جمال فر، غلبه بر مشکلات نوجوان، تهران: نشر اسبازان.
- بهبهانی، مینا. (۱۳۸۸). بررسی سبک‌های ارتباطی خانواده در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، شیراز.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۹). سبک‌های والدگری در گونه‌های مختلف خانواده در مدل فرایند و محتوای خانواده، خانواده پژوهی، شماره ۲۲، ص ۱۶۱-۱۷۴.
- شرفی، محمد رضا. (۱۳۸۶). دنیای نوجوان، تهران: منادی تربیت.
- صفری، غلام رضا. (۱۳۸۷). نوجوان و خانواده، تهران: نشر ورا دانش.
- موسوی، شکوفه. (۱۳۹۱). رابطه والدین و نوجوان، تهران: نشر قطره.
- همتی، سجاد. (۱۳۹۱). تدوین و استاندارد سازی بسته آموزشی بومی مهارت‌های ارتباطی بر مبنای آسیب‌شناسی تعاملی والد-نوجوان در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر اصفهان، پایان نامه ارشد مشاوره دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- نصیری، م. (۱۳۸۰). بررسی مقایسه‌ای مشکلات ارتباطی نوجوانان با والدین از دیدگاه نوجوانان و والدین در دبیرستان‌های منتخب دولتی شهر اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد؛ شماره ۲ ص ۳۱-۳۸.

- Achenbach, T. M.; Dumenci, L. & Rescorla, L. (2007). DSM-Oriented and Empirically Based Approaches to constructing Scales from the Same Item Pools , *Journal of Psychiatric Research*, Volume 41, Issue 7, pp. 570-578.
- Ashbourne, L. M. (2009). Re-conceptualizing parent-adolescent relationships: A dialogic model. *Journal of Family Theory & Review*, 1, 211-222
- Bar-on, R. (2000). *Emotional and social intelligence: Insights from the emotional Quotient Inventory*. In
- Barker, E. D., Tremblay, R. E., Nagin, D. S., Vitaro, F., & Lacourse, E. (2006). Development of male proactive and reactive physical aggression during adolescence. *Journal of child psychology and psychiatry* ,47 (8),783–790.
- Barron Cecilia R; Yoest; Phyllis. (1994). Emotional Distress and coping with a stressful relationship in adolescent boys, *Journal of Pediatric Nursing* , 9 (1): 13-49,
- Baxter, L. A. (2011). *Voicing relationships: A dialogic perspective*. Thousand Oaks, CA: Sage Publications .
- Berk, L. (1993). *Infants, children and adolescents*. U.S.A.: Allyn & Bacon.
- Carr, A. (1999). *The handbook of child and adolescent clinical psychology*. London:Routledge.
- Costello, E.J., Sung, M., Worthman, C., & Angold, A. (2007). Pubertal maturation and the development of alcohol use and abuse. *Drug and alcohol Dependence*, 88 (Supplement 1), S50–59.
- Collins, A. & Loursen,B. (1992).Conflict and relationship during adolescent, Inc.U.Shantz,& W. W.Hartup. (Es). Conflict in chil and adolescent development (216-241). New York: Cambridge U niversity press.
- Collins. W. A, Steinberg. L. (2006). Adolescent development in interpersonal context. In W. Damon & R. Lerner (Series Eds.) and N. Eiscnhe (V ol. Ed.). The handbook of child psychology, vol 3: Sociol, emotional and a personality development (6th ed.:pp. 1003-1067). Hohoken. NJ: John Wiley & Sons.
- Crawford, J.E.L. (2006). Conflict resolution in the parent- adolescent dyad: perceptions of daily conflict and links of family functioning. Retrieved From Dissertation & Theses: Full Text. (Publication No,NR23011).
- Choa, K.R. (2000) the parenting of immigrant chinnes and European American mothers: relations between parenting styles, socialization goals and parental practices . *journal Journal of Applied Developmental Psychology*. 21,2, 233-248
- Darling, N. & steinberg L. (1993) parenting style as a context : an integrative model. *Psychological bulletin*,113 478-496.
- Elliot, S. & Gersham, F. (2003). *Social skills interventions for children*. Behavior modification. N. 16, P. 287-309.
- Frank J. Elgar, Christine Arlett, Renee Groves. Stress, coping, and behavioural problems amonge rural and urban adolescents. *Journal of Adolescence*, oct 2003; 26 (5):574-585.
- Frick, P. J. (1991). Alabama parenting questionnaire. *Communication Studies*, 48, 59-75.

- Jessor, R. New perspectives on adolescent risk behavior. In Jessor, R. (ed.). 1998. *New Perspectives on Adolescent Risk Behavior*. New York: Cambridge University Press.
- Kenneth W. Wanberg, David S. Timken, Harvey B. Milkman (2010). *Driving With Care: Education and Treatment of the Underage Impaired Driving Offender*: Sage publications.inc
- Laursen, B. (1995). Conflict and social interaction in adolescent relationships. *Journal of research on adolescence*, 5, 55-70.
- Lerner, R. (1998). Adolescent development: Challenges and opportunities for research,. *Annual Review of Psychology* , 413-446.
- Micucci, A. J. (1998). *The Adolescent in Family Therapy*. london: Guilford.
- Park, s.k.Jae, ,Kim,j.y & Cho,C.B. (2008). Prevalence of internet addiction and correlations with Family factors among South Korean adolescents. *Adolescence*, 43 (172), 895-909.
- Rescorla, L., Achenbach, T. M., Ivanova, M. Y., Dumenci, L., Almqvist, F., Bilenberg, F., and et.al (2007). The generalizability of the Youth Self-Report syndrome structure in 23 Societies. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 75 (5), 729-738
- Ruttle, P. L., Shirtcliff, E. A., Serbin, L. A., Fisher, D. B. D., Stack, D. M., & Schwartzman, A.E. (2011). Disentangling psychobiological mechanisms underlying internalizing and externalizing behaviors in youth: Longitudinal and concurrent associations with cortisol. *Hormones and behavior*, 59 (1), 123-132.
- Smetana, J.G. & Villa Lobos M. (2010). *Applied Research in Child & Adolescent Development: A practical guide*, edited by Maholmes & Lomonaco. New York :Psychology Press. pp. 187-228.
- Steinberg, L., & Silk, J. S. (2002). Parenting adolescents. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting*, vol. I: Children and parenting (pp. 103-134). Mahwah, NJ: London
- Weems, F., & Costa, N.M. (2005). Developmental differences in the expression of childhood anxiety symptoms and fears. *Journal of the american academy of child and adolescent psychiatry*, 44 (7), 656-663
- Wilfird, J., Zanden, V. (2002). *Human Development*, McGraw-Hill Companies; 7th Update edition.